

نظر بطور است صدقت و راست قلبی عالیجا میرزا
علی آبادی وزیر کرمان در عهد لسنه توشقان پیل
امنای دولت علیه او را از قرار فرمان مهر لجان
مبارک بمنصب استیفای دیوان اعلی سرافراز
فرمودند که مادام ما مورثیت و بعد از آن در سبک
مستوفیان عظام مستلک بوده بوزنم خدمات
مرجوعه بخود پردازد

نظر بحسن خدمات عالیجا مقرب الخاقان فرخ خان
صندوقه از خاصه که در هر موافقت خدمت و مرآت
کفایت او در حضرت سپهر سلطنت سرکار اعلیحضرت
اندلس بایون شامشای مشهور و محترم کشته است
لیند انحضرت مرمت موازی یک قطعه کل کمر متکل بالکاس
در حق او مرمت و عنایت فرمودند

چون بالابان سلام و تعظیم بیدق پیش فک
کل فوج در میان افواج قاهره محض حضور بایون سرکار
اعلیحضرت شامشای است لند امر و مقرر فرمودند
که سرتیپان و سرتیپان و صاحبان افواج قاهره
بعد از این دستور الهی خود را از مقر اقرار بدارند
بالابان سلام و تعظیم بیدق عموم موقوف است
مگر برای حکام بزرگ که در سرحدات مستند مشحول
آذربایجان و خراسان و فارس و کرمان
سوازی اینها برای حکام اذن ندارند که در وقت
مشق و غیره بالابان سلام بزنند لکن پیش فک عیب

ندارند و در وقتی که در مشق مستند و از حکام بر سر فوج
می آیند پیش فک برای حکام بزنند و بالابان سلام
و تعظیم بیدق را موقوف دارند

سایر ولایات

آذربایجان و اصفهان و استرآباد
و اسد آباد و پروجر و ولایت و حرا
و ختم و دار المرز و سمنان و شاهرود
و عراق ازین ولایات درین مهله اخباری نبود

فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند از حسن
مراقبت و اهتمامات نواب مستطاب مؤید الدوله
حکمران فارس امور انولایت فرین استقام کامل
عموم نوکر و رعیت را بحال رفاه و آسودگی حاصل است
و نواب مخزنی الیه بقرار استمرار مهله دور روز اقرار
دادند که بعد از این عموم خلق از اعلالی و ادالی رسیدگی
ینمایند و در این دور روز حاجب و دربان ندارند
هر کس عرضی داشته باشد بی مخالفت و مرحت
احدی خدمت نواب مخزنی الیه رفقه عرض خود را بیاورد
و بر وفق عدالت و حق حساب حکم آن میشود و سایر
ایام مهله را با نظام امور ولایتی و انجام خدمات
دیوانی بپرو دارند

و یکر نوشته بودند که جمیع بلوکات فارس که در
گذشته ساخته اند خوارگی داشته امسال نسق و

وزاعت آنها بر وجه انخل بعل آمد و هر کجا که بذر مساعده
لازم داشت نواب مؤید الدوله بتصدیق معرمان خان
شجاع الملک و شیر الملک دادند و در امور زراعت
بلوکات نقصانی باقی نماند و در موسم عقب بنیر
بارانهای متوالی خوب آمد اگر چه برای تنباکو و سایر
محصول صیفی قدری ضرر داشت ولی بجهت کشت و
ریز و بذرافشانی بسیار خوب و زراعت کاران
ازین بر حسد بسیار مشرف و شکر گذار بود

مشول مشق میب شد و نواب مستطاب مؤید الدوله
بجهت تشویق آنها اغلب اوقات را خود میدان
آمده مشق آنها رسیدگی می نمایند و ارضای تمسک
و معظن کمال اتمام در مشق و انتظام امر آنها می

دیگر نوشته بودند که چند روز قبل بسته امانی از حجره
حاجی محمد صادق تاجر اصفهانی سرفت نموده بود
مراتب بعرض نواب مؤید الدوله رسیده قدغن نموده
که عالیجاه میرزا علیخان بیکر بسکی حکم اموال مسروقه
ببست بیاد و مشارالیه نیز چند روز در قفس بود
نامعلوم که غلام سیاهی از مستایگان تاجر مزبور در
وقت شب از پنجره حجره راهی بوده است کتوده
و آن بسته امانت را برده است امانت را گرفته
بصاحبش رد کردند اما غلام سیاه از خوف سیاه
ناگاه خود را بچاه آبی انداخته و با چاقوئی که همراه
کلوی خود را بریده بود که خود را اهلک نماید یعنی بچاه
فستاده او را بنیم جان بالا کشیدند و قریب

میباشد

دیگر نوشته بودند که فتح الله نامی که از مشایخ امیر
و اشترار بود شرب نموده و زخمی بر انگذری زده بود
او را حسب حکم نواب مستطاب مؤید الدوله گرفته و در
محلوه شد که مشارالیه در ایام فترات افتاد
و هرزگی می شده است آنچه در زمان فوج خان

در انجام خدمات و اعمال احکام و او امر دیوانی
مکمل و نافرمانی بصورت میرسد نواب مستطاب
مؤید الدوله بجایگاه محمد ابراهیم خان سرتب افواج
اصفهان مقرر داشته بودند که در مراجعت از بندر
ابوشهر مشارالیه را گرفته بشیر از بیاد و عالیجاه
مشارالیه نیز در ورودیه برار جان او را گرفته بود
طایفه برار جانی قدری بهرزی اقدام نموده شش هفت
نفر از آنها و سه چهار نفر از سر بازار اصفهانی زخمی
و معقول شده بودند عالیجاه مشارالیه او را با کتوه
بشیر از آورد و بالعقل و رقاول توپخانه مبارکه میباشند

دیگر نوشته بودند که سر بازاران فوج قزاقچه و
و شیرازی که متوقف بشیر از میباشند هم در
در کمال شکوه و اراستگی در میدان در بختان

۱۶۲۹

خداگان داخل قایلین عبد الحمید خان داروغه شیراز
 بود و در ایام حکومت نواب بهرام میرزا گرفتار شده
 بواسطه استخلاص حاصل کرده بود در خدمت نواب مؤیدالدوله
 بهر خمی توسط کرده و سصد تومان بیکش میدادند
 نواب معزی الیه محض انتظام امر ولایت قبول کرده
 حکم بیست او نمودند تا دیگری بعد ازین مرگت

و ایش و نشود

شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز که از اجداد
 علمای اعلام بود در ماه ربیع الاول در شیراز رحلت
 ایزدی پیوست نواب مؤیدالدوله حکم کرده چنانچه
 او را در کمال احترام برداشته و مجلس فاطمه
 او گذاشته و خود نواب معزی الیه هم مجلس
 فاطمه حاضر شده لوازم احترام را بجا آورده اند

بندی از بند های بلوک کربال که از بنای امیر
 و ملی بود و برور خرابی بهم رسانده و بد بواسطه
 چمن چاه پارچه قرار و دهنده بی آب و لم یزرع
 بود چنانچه در روزنامه های سابقه نیز نوشته شده است
 نواب مستطاب مؤیدالدوله اتهام زیاد در
 بندم نور نموده و مخارجی که بر او رفته بود داده
 و قد عن اکیده کرده اند که بندم نور را در کمال استحکام
 بنده بنا و عمل زیاد با اسباب و کار و
 با نهایت ممانعت و استحکام صورت تمام خواهد یافت

و این مرسد سبب عا کونی کل امالی بلوک فرود شده است

دیگر نوشته بودند که صفحات بند عباسی و لاریستان
 از حسن مراقبت و اهتمامات نواب امیرزاده عبدالکافی
 در کمال انتظام است سابقا بعضی اشخاص که مکتب
 داشتند نسبت بکین و عجزه احماف و تعدی
 در این اوقات بسبب مراقبت نواب معزی الیه
 احدی با حدی خلاف حساب و تعدی نمیتواند

بکند

دیگر نوشته بودند که خلعت هر طلعت با چون کاز
 جانب سنی اجواب لیکانه بجهت نواب امیرزاده
 عبدالکافی میرزا رحمت و ارسال شده بود با بنچار
 وصول افکنده نواب معزی الیه لوازم استقبال
 احترام خلعت هر طلعت را بجا آورده ریب برود
 اعتبار و افتخار خود ساخته صرف شربت و شیرینی

موزه اند

دیگر نوشته بودند در اخبار شیراز که در سه ماه قبل
 و ختری بسن چشش ساله که پدر و مادری نداشته است
 در خرابه مرده و خشک افتاده بود جمعی دیده و مراد
 بنواب میرزا مؤیدالدوله عرض کرده بودند نواب معزی الیه
 مقرر داشتند که عالیجاه میرزا علیخان بیکری که کدخدایان
 حقیقت این عمل معلوم نمایند و در آن اوقات تقصیر کرده
 چیزی معلوم نشده بود از آنجا که خون آن صغیره با

۱۳۳۰

دامن گیر قائلش شود غلامی سیاه درین اوقات
 بجمعی حکایت نموده بود که دختری بدین صفت
 قبل بغلان خرابه برده شراب خوردم و درستی با او
 مباشرت کردم و دختر هلاک شد او را در خان
 انداختم و رفتم آن شخص که این حکایت را شنیدند
 بکدخدای محله اجبار نموده و غلام سیاه را گرفته
 تو اب تویدالدوله آوردند و در حضور نواب معری التی
 بعد از استغفار بارتکاب این عمل شنیع اقرار کرده بود
 لهذا نواب معری الیه او را آوردند بجان خرابه که این
 در اینجا از او سرزده بود برده سیاه است نموده
 عمل ناشایست رسانند

دیگر از قرار که تیسیر اجناس شیراز را نوشته بود
 کندم من واری که تومان و چهار و جو خروار و
 و هزار و پانصد دینار و برنج چهارمیک من مفصل
 و برنج شهری یک من نه شاهی و روغن یک من دو
 سیمه دینار و گوشت یک من مفصل دینار و شکر
 یک من سه هزار دینار و نبات یک من چهار هزار
 و سایر اجناس نیز باین منطه تیسیر دارد و فراوانست

دیگر از قرار که در روزنامه بندر اوشهر نوشته بودند
 امور انولایت از هر حیث منظم و مضبوط است
 میرزا حسن خان دریا بکی و حاکم بوشهر کمال اهتمام
 انظام امور انجنادار و مستحقین طرق و شوارع در حد

مرجوعه بخود اهتمام داشته تجار و قوافل را
 بمنزل میرسانند و هم چنین توپچی و سربازان
 بندر مزبور در کمال نظم و حسن سلوک با رعایای اجکا
 رفتار مینمایند و کلی امانی انولایت نهایت رضایت
 از انظام و معقولت آنها دارند و از جانب جناب
 اهتمام در مشق و اداب نظامی آنها لعل می آید

دیگر نوشته بودند که چون خبر آمدن فوج نمانندی
 با خلوی بندر اوشهر رسیده بود عالیجا میرزا
 یک نفر سلطان فوج فریدن را با تعداد و پنج نفر
 سرباز دسته او که در جزیره خارک ساخلو بودند

خواستند نامورین بکشی نشانی و پنج نفر کشتی
 روان بندر اوشهر گردیده بعد چهار ساعت که در
 دریا کشتی را ندیدند طوفان شدیدی شده کشتی
 اختیار از دست کشتیمان ربوده امواج ادراب
 غبه دریا که جای شهور خطرناک است حرکت داده
 شرع کشتی پارسی شده و بعضی از جو بکشی کشتی
 شکت سه روز و شب در روی آب گرفتار
 اضطراب بودند بعد از سه شبانه روز بیکم نجات
 خارک رسیدند علم سیاه که علامت کشتی کشته

بر پا کردند اهل جزیره مزبور مطلع شده چند فروند
 رورق باستخا ص آنها فرستاده آنها را از
 کشته بیرون آوردند معارف بیرون آمدن کلی آنها
 بزور قها کشتی مزبور غرق گردید و این از نقصات

۱۶۳۱

خداوندی بود که اگر ساعتی دیرتر زور فنا با نجا
 میرسد همه آن سربازان و لشکری با نان غریب
 فنامی شدند

و یک روز نامه بند را پوشه نوشته بودند که در
 ۱۷ و ۱۸ صفر باران زیاد و رانجا آمده و آب
 جدید بسیار بود نیم رزق از آب باران شده
 در یابیکی قرار داد با همان آب بسیار بود
 کرده آبش را بیرون نمودند که لوی آب و کوچ و بوی
 از او رفع شده بعد از آن از آب باران دیگر که
 پرکنند که آبش صاف و شرب باشد در
 انالی آنجا صرف نمایند و تا موسم تابستان هم
 قدغن است که آب آنجا صرف نمایند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه عهدیجان سرنگ
 که با سربازان باجمعی خود و مشاعر آمده توپ مامور
 بند را پوشه شده بود در روز و مشای راه لوانم
 استقبال و احترام از جانب عالیجاه در یابیکی
 توپچی و سربازان متوقف آنجا بماند و فوج و توپخانه
 در جنب برج سجری قرار گرفتند که بعد از آنکه آنجا
 ساخوی سابق مرخص باشند و از قرار که لوانم
 عالیجاه مشای راه توپچاران و عرض راه از بعضی جای
 کوهستان و خطرناک بصورت تمام گذرانیده
 و جهت معطل شدن توپچاران بریدن راه خود و سربازان
 و توپچی ابواب جمعی او سختی در حمت بسیار کشیده تا

بمیزان رسانده اند و بجهت طه کردن توپچاران که در کوه
 و کوهستان سه چهار رسد سب توپخانه تلف و
 شد نفر توپچی و سربازان مجروح گردیده اند و لوانم

ورود به بند را پوشه سرباز و توپچی و دست
 لزوم سجزیره خارک سجزیره ساخوی فرستاده است
 و از مامورین جزیره خبر که یکصد نفر بودند و در
 جزیره خارک یک فروند کشتی آنها طوفانی شده
 در بین آنکه از آن کشتی بگشتی دیگر سربازان می آمدند و در
 نفر آنها را با آذوقه که در کشتی داشتند با دیگر
 به بند را پوشه مرحمت داده بود ولی سجزیره سب
 با آنها نرسیده همگی با آذوقه سالم با عمل سربازان

دیگر نوشته اند که چون سقف وسط بازار بند را
 موافق یکدیگر نبود و هر وقت باران می آمد سجزیره
 تر و مشکل میشد عالیجاه در یابیکی قرار داد که سقف
 آنجا را تجدید کرده موافق همسایرانند و وسط بازار
 راه و دو آب و طرفین را بجهت عبور مردم سنگ
 نمایند و سجزیره بازار را منور بگذارند که در تابستان
 و نسیم داخل آنجا شده سکنه آنجا از گرما صحت
 نمیشد با بچه بازار را منور بطور خوب ساخته شده است
 که اهل بازار همه خند آسوده باشند و نیز در واران
 در آنجا کار گذاشته و پاسبانان معین شده
 که اموال مردم از طول سارقین محفوظ باشد و

۱۶۳۲

سبب نریزد عا کونی کسب تجارت آنجا شده است
قزوین و قسم و کاشان و کرد
و کرد و کس و کرمانشاهان ازین
و ولایات نیز درین صفت اخباری بریده

کرمان

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند
انیت و انتظام در امور ولایت حاصل است
و عسوم سکنه و رعایای آنجا در عین اسود
و فراغت مدعا کونی دوام دولت اید اتصال
استغال دارند و عالیجا میرزا شفیع در
انتظام امر طرق و شوارع اهتمام رسانده
می آورد و قرا و خانهای عرض راه همه جای
و مستظمین مشغول حفظ و حرارت میباشد که
عابرین و مترددین با سود کی عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته بودند که یک ثوب جبهه ترمه که از
جانب سنی انجوانب اقدس بایون شاه
سجده عالیجا شنجلی خان سرتب فوج خلیج قسم
مرحمت و ارسال شده بود با آنجا پر تو وصول
نکند و عالیجا مشارالیه لوازم استعجال
و توقیر و احترام حلقه مدخلت بایون را
بعل آورد و زیب برود و شش فاخرت نمید
خود نموده لبها خب مضمان و غیره سرتب

و شیرینی داده با کمال شکرانه و خوشند
مشغول انتظام امور فوج خود میباشد و فوج
عالیجا مشارالیه نیز همه روز مشغول مشغول
و بانهایت نظم راه میروند و خلا فی از آنها

بکسی ناشی و صادر نمی شود

دیگر نوشته بودند که در این اوقات اموالی از
خانه پسر حاجی محمد ابراهیم سرقت کرده بودند
بعد از تفحص و تحقیق بعضی از آن اموال سرقت
در نزد یک نفر توپچی از توپچیان جمعی عبدالیه
یا در توپخانه برود کرده بود مشارالیه توپچی
گرفته کل اموال مسروقه را از او مسترد و اموال
مال ذکر کرده و او را تنبیه نظامی نموده بودند

دیگر نوشته بودند که چندی قبل جمعی از نظامیان
بر سر قافله فارس ریخته اموال آنها را
بغارت برده بودند اما ابو الحسن کلاتر آنها
از کداریش مطلع گردیده با جمعیستی تعاقب
و زدان ستاخته با آنها رسید و اموال
مسنوبه را تمام و کمال از آنها استرداد کرد
و به آنها را آورده بود که نصیبان مال برسانند

کیلان و طایر و شماوند و بهمان
ازین ولایات نیز درین صفت اخباری بریده است

میز

از فراری که در روزنامه میزد نوشته اند کمال

۱۶۳۳

انیت و انتظام در امور آن ولایت حاصل است
 و رعایای آنجا در کمال ذاعت و آسودگی مشغول
 و عاکوفی دولت به مدت قاهره پباشند و
 عالیجاه مقرب آنخاقان محمد یوسف خان سرتیپ
 و نایب الحکومه یزد و سایر مباحثین در
 نظم امور ولایت و رعیت اهتمام کامل دارند

از قلعه دار انخله و بعضی اراضی خالصه با قمار
 اعلیحضرت آقا سید کاویون شاهنشاهی صان
 ایام دولت عن التتاهی بموجب فرمان مهر
 لمعان مبارک قریب بچهل هزار رزغ بموجب
 تفصیل ذیل با تمام حجاب و عمر و مدخل
 باغ خسرو خانی باغ نور خانی باغ امان الله خانی

دیگر از قرار یک رزغ اجناس دارالعباده
 یزد و نوشته اند که مگرین شاه مقصد و
 وینار که خرواری سه تومان و هفت هزار
 پانصد میشود و جو خرواری دو تومان و هفت
 پانصد وینار و سایر کولات نیز باین
 منظمه مستور و روان بوده است

و حجراتی آب بملکت عالیجاه محمد تقی خان مبارک
 منقل و واکدار فرمودند لهذا اعلان میشود که
 هر کس بر قدر از اراضی مزبوره خریدار باشد
 از عالیجاه شاه را اینه اشباع نماید
 چنانچه در هفت گذشته نیز اعلان شد کتاب
 حبیب اسیر ستم جلد در یک جلد چاپ شده
 در بازار صحافان در دکان حاجی نصر الله
 صحاف فروخته میشود مبلغ چهار تومان و نیم
 هر کس خریدار باشد از دکان مزبور اشباع نماید

اخبار دول خارج از فرانسه و جریده بخارا
 اسلامبول در این روزها رسید ولی آ
 که مناسب این روزهاها باشد بنود
 نوشته شود
 اعلانات

ایضا کتابهای چاپی در کارخانه حاجی عبدالمجید
 در محله نزدیک دروازه دولاباز اینها فروخته
 انوار النعمانیه سه تومان
 وسایل بافندست ده تومان
 ختم نظامی دو تومان و نیم
 سایر دو تومان

چون جمعیت و کثرت دار انخله مبارک که طرز
 روز بروز است از دیادمی پذیرد و برای
 ساکنین و مسوطنین بجهت ضیق جا و مکان صورت
 حاصل است لهذا بجهت توسعه منزل و مقام آنها

انوار النعمانیه سه تومان
 وسایل بافندست ده تومان
 ختم نظامی دو تومان و نیم
 سایر دو تومان

۱۶۳۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ۲۵ مهر ۱۲۷۲

نزدیک پنجادست

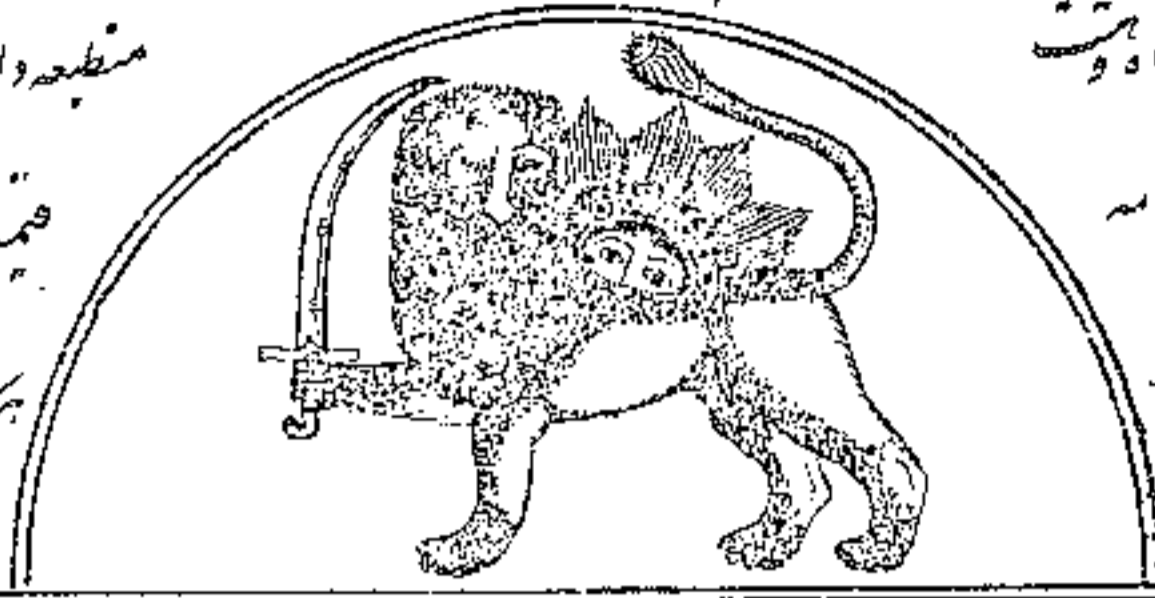
قیمت روزنامه

پنجمه دوازده

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

بهر خطی



اخبار و احوال ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه ۲۵ ماه ربیع الثانی انجمن
اقدس سالیان شامی شریف فرمای قصر
قاجار گردید و تا عصر در آنجا تفریح و توقف فرمود
بعد از صرف عصرانه و چای بارک مبارک سلیطانی
و ممر سلطنت عظمی مراجعت فرمودند
و حیدالصری محمد زمانی جناب شیخ عبدالحسن
تعالی که بجهت زیارت روضه مستبر که رضویه علیها
و النجیه بارض اقدس رفته بودند در این اوقات
بدارالخلافه طهران مراجعت نمودند مالی و دارالخلافه
وضیعا شرفا از علماء و مساوات و شایران و کسان عظام
و خوانین و غیره لوازم استقبال را بجهت آوردند
بعد از ورود جناب منظم ایبه دارالخلافه جناب
اشرف امجدار رفع صدر اعظم بواجب توقیر و احترام

جناب علمای اعلام و فقهم اللہ تعالی بدین احوال
رفتند و آنروز تا مغرب در آنجا بودند و از
جناب سنی ابوالحسن اقدس سالیان شامی
لوازم تقدمات را در باره آن بجهت آوردند
چون اولیای دولت علیه رسیدگی بکارهای
شاگردان مدرسه دارالفنون و تحصیلات علوم
حربیّه و طبیه و غیره آنها را لازم میدانند در این
اوقات نیز جناب اشرف امجدار رفع صدر اعظم
گذشتند که چند روز بدرسمه منوریه رفتند
بکارهای شاگردان و معلمان رسیدگی نمایند از جمله
در روز یکشنبه ۲۷ ماه ربیع الثانی بدرسمه
منوریه رفتند و بکارهای بعضی از شاگردان
رسیدگی نموده تا نزدیک غروب آفتاب در آنجا
بودند و بعد از آن نیز هر روز بدرسمه منوریه رفتند

۱۶۳۵

مشغول رسیدگی کار آنها میباشند که فراخور
ترقی هر یک نشان و علاوه موجب در حق آنها
شود و بعد از امتحان علوم تخصیص بلیه آنها ترقیات
در روزنامه های آینده نوشته خواهد شد

نواب شاهزاده فرمانفرما حکمران مملکت خراسان
مدتی بود که مریض بودند و اخبار کثیر مزاج ایشان
در روزنامه های خراسان به اختلاف طر این
در این اوقات داعی حق البیتک اجابت گفته
در ارض اقدس فیض قرین بجوار رحمت ایزدی
پیوسته اند چون از اجلبه شاهزادگان عظام بود
سرکار اعلیحضرت اقدس پادشاه یون شاهی مقرر
فرمودند که در مسجد شاه طر این مجلس فاتحه بگردد
نواب غفران نایب مشارالیه با کمال احترام بگذارد
و عسوم شاهزادگان عظام و مقربان در بارگاه
چشم بلو از م تعزیت اقدام نمایند و در روز
۲۹ ربیع الثانی در مسجد نور مجلس فاتحه منعقد
شده علاوه ساعات و قراءت تلاوت کلام الهی
و طلب مغفرت و لوازم تعزیت پرداخته عموم اعالی
و ادانی مقرر است که تا سه روز مجلس فاتحه حاضر
و در حسب اقدار قدره پادشاه یون اعلیحضرت شایسته
ایالت و حکمرانی مملکت خراسان تعزیه کفایت و
کفالت نواب استطا شاهزاده والا با حسن سلطنت
سلطان مراد میرزا محمول و منحوس شده فرمان

۱۶۳۶

شرف صد دریافت و بکثرت خرفه خرفه زرد لیموی
نیز از لبوس بدن مبارک برسم خلعت بافتار پوات
مغزی الیه رحمت شده بصحابت عالیجاه میرزا
فره شایسته جناب جلالت آبا شرف امجد اکرم
مومن سلطان اعتماد الدوله العلیه صدر اعظم

ارسال شد

در روزنامه هفتم گذشته و زبات تعظیم نظامی
افواج قاهره شرحی نوشته شده بود لکن چون
قدری مختصر نوشته شده بود محل ابهام و شبهه
برای بعضی از اهل نظام گردید از آنجه تبصریح
نوشته شود که تعظیم بیدق فوج برای تسبیح حکام
محمود و معمولاً موقوف است و تعظیم بیدق برای
هیچکس نباید بشود لکن پیش فک کل فوج در وقت
مشق برای شاهزادگان و حکام بزرگ سرحدات بطوریکه
در روزنامه سابق نوشته شده است عیب ندارد
برای سایر حکام و ولایات کوچک آنهم نباید بشود لکن
همان تعظیم صاحب منصبان که در سرفوج مستند در حاکمیت
مشق کافی است بجهت توضیح نوشته شد

چون محاسن بلاغت و فصاحت و مداحی و شایسته
عالیجاه شمس الثرامیرزا محمد علی متخلص بسروش
اوقات در سلاهای اعیان و غیره قصاید غزلیان
لالی ابدار در مدح سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شایسته

از نتایج طبع دقا و برشته نظم کشید هر عرض
 بیگانه حضور هر طور میدارد مقبول و مستحسن خاطر
 ملوکانه افتاده مستوجب رحمتی تازه آمد لهند و این
 اوقات عالیجاه شارا لیه را بنوب فرمان
 لمعان مبارک بقلب جلیل خانی سرافراز فرمودند
 که موجب ارتفاع رتبت او گردید پیش از
 بمواز مباحی و شناختنی قیام و اقدام گاید و مو
 یکثوب چه ترمه نیز از جانب سنی ایجاب ملوکانه
 باو خلعت مرحمت گردید

چون شتر اک لفظی بعضی اوقات باعث اشتباه
 در مرقه ۲۵۶ این روز تا چهارم ازین العابدین
 که نوشته شده بود یعنی در دست آتش بوده است
 عقده خالی شده و دود از ساچه آن بسیر کریم نامی
 فرانس خورده بود شارا لیه میرزا زین العابدین
 کنگر نو بوده است نه عالیجاه میرزا زین العابدین

شکر نویسی

سایر ولایات

در ریما سجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان
 نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت و اهتمام
 نواب مستطاب هزاره و الایاب نصره الدوله و
 در بار سپهر چشم مقرب النخاقان قایم مقام کمال
 الضباط و انتظام را دارد و رسوم الی و سکنه الی
 در نهایت آسودگی و فراغت بدعا کونی ذات قدس

کتابیون شایسته ایستعمال و ادب

دیگر نوشته بودند که خانه عالیجاه محمدمحمیل خان
 نوری را بریده قدری اجناس از خانه اش
 بودند معتقد در بار سپهر چشم مقرب النخاقان
 قایم مقام عالیجاه محمد رضا خان بیکر بسکی و عن
 نمود که حکامان را پیدانایا شارا لیه با کد خدا
 محله چند روز در تفحص بود تا یک نفر سید معتمد
 بالآلات داد و اوقات دزدی از قبیل رسلان
 کند و اسباب و راز باشد که کن و وصل

و میخ طویل باد و نفر توپچی مراغه که رفیق او بودند
 گرفته آوردند چون شهود عدیده که همان اسباب
 باشد موجود و جای انکار نبود مقرب دزدی خود
 گردید و نشان مال سرود از ایشان ظاهر شد
 علاوه بر آن عالیجاه سخی خان المغانی نیز از مرغه
 نوشته بود که آن دو نفر توپچی در مراغه نیز مکتب
 سرفت شده اند لهند مقرب النخاقان شارا لیه
 توپچیان را اخراج کرده و قدغن نمود که اموال
 سرود و تمامه از آنها سرود شده بعد حکم
 بشود

دیگر نوشته بودند در قریه ماتغان یک نفر سرباز
 فوج مراغه ابوالحسن عالیجاه جعفرقلنجان سیرتیب در
 حالت مستی زوده یک نفر سپه و وارده ساله را
 بقتل رساند مقرب النخاقان قایم مقام فرستاد

۱۶۳۷

سرپازرا از آنجا آوردند و در وقت معقول در نزد شاه
 میرزا حسین شاه گذرانند و عیونت رسانند حکم
 شریعی گرفتند مقرب آنجا فان قائم مقام بر
 حکم شریع سرپازرا را اخراج و بدست وراثت معقول
 داده و قصاص کردند

فوج چهارم بریرگی ابوالفتح علیچاه علیجان میر
 که بر حسب حکم اولیای دولت قاهره مامور و سیلغ
 بودند بریرگی احضار شده در اطاق نظام سالن
 آنها را دیدند و مواجب سه ماهه ثانی آنها
 داده شده با اتفاق علیچاه محمد ظاهر خان یا
 و سایر صاحب مضایبان روانه محل مویت
 گردیدند

توسیحان خایه مقدم و خوی و سلس نسیر که
 احضار در بارها یون شده بودند مواجب
 ثانی ایشان در اطاق نظام با حضور لکرنویسان
 داده شده روانه دارالخلافه طهران گردیدند

و این قضایان بایون و احکام اولیای دولت
 که بعد از معتمد در بار سپهر هشتم مقرب آنجا فان
 قائم مقام در خصوص احضار فوج خاصه و بهادران
 و قهرمانیه و دویم نصرت و مخبران شقاقی و مرافقه
 جمعی اسکندر خان سرانک و سواره فشار و جمعی
 و ذولی و سپین بجهده سیرتبان و سرانک مکان

افواج مزبور شرف صدور یافته بود و غرض حصول
 بخشیده و مقرر شده بود و بعضی از ایشان در
 و هم جادی الاولی و بعضی در غره جادی الشایسته
 در رکاب نصرت احتساب حاضر گردیدند از اوج
 صدقه فوج بهادران و فوج قهرمانیه در تبریز حاضر
 بودند مقرب آنجا فان قائم مقام قرار داد که این
 دو فوج مواجب سه ماهه ثانی خودشان را
 در اطاق نظام گرفته برخص خانه شوند که بخورد
 در خانه خودشان مانده و سرکشی بجان خودشان
 کرده در میت و خیم ربيع الاول روانه گردیدند
 و از چهار و هسم ماه نیای دادن مواجب
 فوج بهادران را گذاشته اند و در هجدهم
 ماه ربيع الثانی فوج قهرمانیه مواجب داده خواهد
 شد و مواجب فوج خاصه شریفیه چندی بیشتر داده
 شده کاری نداشته اند از علیچاه محمد ظاهر خان

الزام گرفتند که در میت و خیم ماه فوج را
 بجامه در تبریز حاضر نماید که بدون معطلی روانه
 در بارها یون باشند و همچنین الترامی از علیچاه
 قاسمخان سرتیپ گرفته شد که برودی فوج
 مخبران را حاضر نماید که مواجب سه ماهه ثانی را
 دریافت نموده روانه گردند و بجهه فوج نصرت و
 فوج مرافقه و سواره ار مخصوصاً لشکری حسب الامر
 فرستاده شده که بدون معطلی فوجها را برود آید

و این قضایان بایون و احکام اولیای دولت
 که بعد از معتمد در بار سپهر هشتم مقرب آنجا فان
 قائم مقام در خصوص احضار فوج خاصه و بهادران
 و قهرمانیه و دویم نصرت و مخبران شقاقی و مرافقه
 جمعی اسکندر خان سرانک و سواره فشار و جمعی
 و ذولی و سپین بجهده سیرتبان و سرانک مکان

۱۶۳۸

۵

فوج جدید مرانند نیز موجب سه ماهه ثانی خود را پرورد
و مدتی در کارشان نیست عالیجاه پرویز خان نیز
به تبریز آمد حسب حکم مقرر گردید که رفته سواره
چهار دوی ابو اسحبی خود را بر داشته بیاید

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند لوا
ستطاب شاهزاده والا بهار حشمت الدوله در
انتظام ولایت و اسودکی رعیت و انجام عده
دیوانی اهتمام و مراقبت تمام دارند در اوایل
ماه ربیع اشرفی چند روزی تشریح مزاج بهم رساند
تا خوش شده بودند ولی بجهت دردها
روزه صحت یافته و دیدن خانه آمده بهر ایض مردم
رسیدگی کرده بودند
دیوانی عیاشند

دیگر نوشته بودند که کنجی خان بجهت قلعه خود
مهرور و باو امر دیوانی اطاعت مسکرو در ادا
مالیات دیوانی ابرقو تعلق مسینود نواب حشمت الدوله
سرباز فرستاده قلعه اورا باد و سه قلعه دیگر که محل
کن اشرا و مفیدین بود خراب گردند کنجی خان
کرده بشیران رفته بود نواب معزی البه اوام

و مقرب انکا قان شجاع الملک نوشته به دنگ
اورا گرفته باصفهان روانه نماید مقرب انکا قان
شیراز را لیه نیز اورا گرفته بدست عالیجاه میرزا
سرتیپ سپرده درین اوقات در فراول
فوج اورا باصفهان آورده و محبوس است
تا بعد حکم آن بشود

دیگر از قراریکه تسخیر اجناس اصفهان را نوشته
بودند در این اوقات بهر اسطر و ذیل است
بر پنج بوزن شاه یکمن بکهار و سصد الی
روغن بوزن یصفا یکمن ششزار و ده هی سصد
یکمن بکهار و سصد دینار ۱۸
یکمن شش دینار ۱۷
یکمن دو عباسی ۱۸
یکمن صد دینار ۱۶
یکمن سصد دینار ۱۵
یکمن شش دینار ۱۴
یکمن بکهار دینار ۱۳
یکمن بصد شاهی ۱۲
یکمن شش هزار ۱۱
یکمن کتومان ۱۰
یکمن چهار هزار ۹
سایر اجناس نیز بهین منتهی است و هر چه
و مورد دارد

۱۶۳۹

استرآباد و اسدآباد و سرحد

و بگرام و خراسان و خت و واران

و سمنان و عراق ازین ولایات دین

هفته اخباری بود

فارس

از قراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بود

یکه نفر شیپورچی برات نام از فوج نهاوند شب

تا سه چهار ساعت بار فحای خود نشسته صحبت

میداشت هنگام خواب هر کس بکوشه خواب

صبح که بیدار شدند شیپورچی بیدار شد رفقا

سراورفتند و دیدند مرده است با اینکه هیچ ناخ

نداشته است از قراریکه رفقای او مذکور د

بودند قدری پول داشته شب پوله‌ها را بیرون

آورده و بسیار با آن پوله‌ها بازی کرده و اطما

خوشوقتی ریاد نمود و ظاهر این است که از ذوق

پوله‌ها فحاه کرده باشد

و همچنین حاجی عبدالسیله در بیانی که در شهر

سکن داشته است تا چهار ساعت از شب گذشته

در یکی از مجالس مصیبت جناب سید الشهدا حاضر

و مشغول تعزیه داری بوده بعد از آن در کمال صحت

سجانه خود رفته و شام خورده بکیه بخت خواب داد

تا وقت فوت شده بود

قره‌بین و رسم ازین ولایات نیز اخباری بر

کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته اند و بفر

ار بشم که بقدر بیت و چهارمین بوده است با چه

توپ خارا و قدری توپ از خانه ناشی نام یهودی سرقت کرده

بودند شبانه دار و نقد در صد شخص برآمده بسیار مر لوره

بعینه از خانه اللبیار نام یهودی بیرون آورده و بزوجه

محمد حسن خان حاکم کاشان آورده بود اللبیار یهودی قرار

کرده بطرف اصفهان رفته بود عالیجا به شارالیه و نفر

سوار فرستاده او را در میان سو و قدر و دگر گرفته آورد

بعد از تبیه و تحقیق گفته بود که چهارمین ار بشم نیز از شخص

شعربانی با چار توپ خارا از مال حاجی حبیبی سرقت کرده

فلان دغمه مسجد خود مان پنهان کرده ام عالیجا به شارالیه

اشیاء مر لوره را نیز آورده و بضاعتش تسلیم و یهودی

محبوس است تا سرفتی دیگریم اگر کرده باشد بر و

دیگر نوشته بودند که در یکی از محلات کاشان جوان بزازی

بن بیت که شب با پدرش بجهت خبری امری نزاع کرده

بعد برخواست با طاق خارجی رفته لوله تر یاد آصل

کرده سبر کشیده بود بعد از ساعتی پدر و مادرش

بصافت احوال و افتاده وقتی سیر آورفته بودند که بلا

کروستان و کروس و کرانشاهان و کرمان و

کیلان و طایر و نهاوند و بهران و میرو

ازین ولایات نیز در این هفته اخباری بود

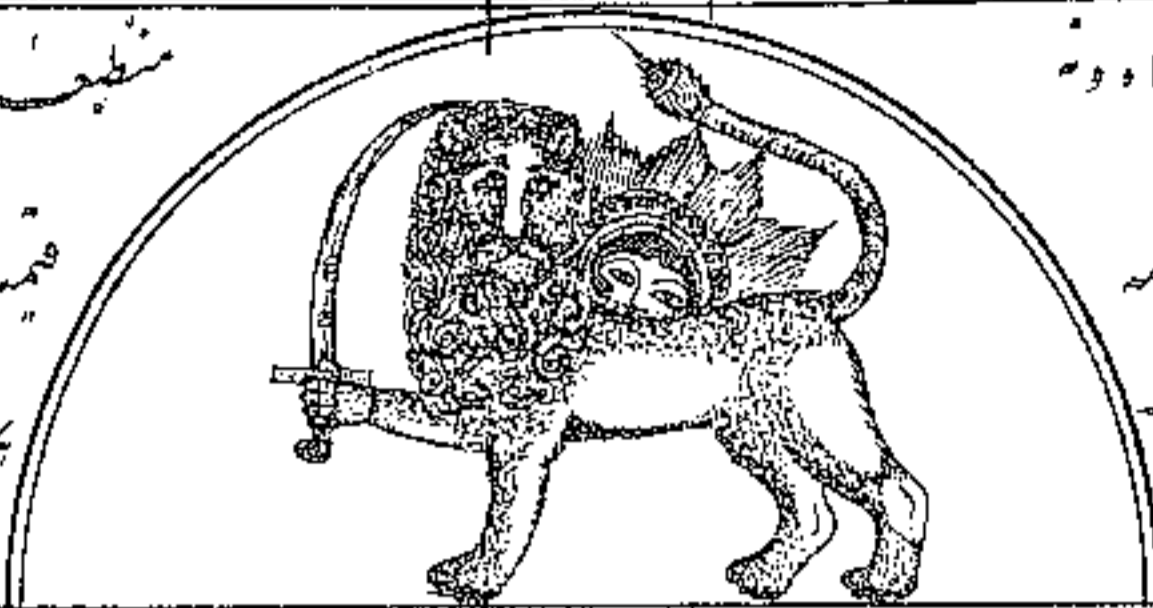
روزنامه قلیع اتقاییه بیامیخ یوم شنبه سیم مهر جمادی الاولی مطابق بولون کونین

نزهت و تفریح و نجات

منظومه و از سخاوت و طهران

قیمت روزنامه
بر نسخه دیگر

قیمت اعلانات
بر طرز دیگر



اخبار و احزاب مالک محروم پادشاهی

و از اخلاص و طهران
از آنجا که سرکار اعلی حضرت اقدس عالیون پادشاهی
صلوات الله علیه و سلطانه توقیر و احترام جانب
علمای اعلام را همیشه منظور دارند و در روز شنبه
۳ این ماه بیدین جناب محمد العصری شیخ
سلطه الله که در این اوقات از وزارت ارض
اوقاف مشورت کرده بودند تشریف فرما گردید
بعد از طاعات ایشان و اظهار تقدمات ملوکانه
از آنجا بیدین جناب حاجی ملا رفیع کیلانی که از
اعزّه علمای و درین اوان از کیلان بدار اخلاص
آمده اند تشریف برده لوازم احترامات را در
بار ایشان نیز تعین آوردند از آنجا ببارک مبارکه
سلطانی مشورت فرمودند
چون انسانی دولت علیه در امور ملک و ملت

و مواد دین و دولت مساعی حمید مبذول دادند
از آنجا که بعضی از اراضی ارک مبارکه مجهول المکان
بودند و بحسب قانون شرع مطاع بجهت حلیت
عامه ناس از مجتهدین عظام اجاره می شد
در این اوقات که مدت اجاره اراضی منبوره
منقضی شده بود جناب امجد اشرف ارفع
صدر اعظم افخم مقرر داشتند که در محضر جناب
شیخ عبدالحسین که از فحول مجتهدین عظام و فقیه
تعالی است تجدید اجاره اراضی منبوره
که ناز و آنجا بجهت عامه حلیت شرعی دادند
شیخ مشهور مجتهد نجفی که از جمله احبّه علمای
واعزّه قلهای مسلمین عیالات بود در
اوقات مسم در آن مشاهد فیض قرین داعی حق را

۱۶۴۱

لیک اجابت کفیه بجز رحمت رب العالمین
انتقال نموده خبر فوت او که پدارتخلافه طرآن
رسید علما و فقها و مجتهدین و اراخلافه مبارکه
بجهت توقیر و احترام مرحوم مشارالیه مجلس فاسخ
گذاشته تا سه روز لوازم تعزیت و تلاوت کلام
مجید را بعمل آورده عمده اشرف و اعیان و انا
و اراخلافه مجلس فاسخ خوانی حاضر شده در روز
سیم نیز جناب امجد اشرف ارفع ارفع صد
اعظم بفاسخ خوانی رفته و مجلس فاسخ را با
نهایت عزت و احترام برپید
سابقه اب افسوس و ولتگی دولت ایرا
از ترک مر او ده که جناب مسروره وزیر مختار
دولت انگلیس باین دولت نموده در تلور و ر
نم ۲۵۲ بیان کرده و این ترک مر او
مبنی بر جهانی بود که در ضمن روزنامه مزبور مذکور
شده است و جان افسوس اولیای دولت
کاکان باقی است اما چون اولیای دولت
کمال میل بر بقای دوستی و ولتین ایران و انگلیس
دارند و آن ترک مر او ده منحصر مر او ده
بود یعنی فقط حرف دولتی را جناب وزیر مختار
مشروک داشت لهذا عالیجاه محبت و متانت
همراه موسیو استیونس قونسول دولت انگلیس
در دارتخلافه مقیم و متوقف است که بامور تجاری

۱۶۴۲

رسید کی نماید عموم تجاری که متعلق بدولت
انگلیس هستند هر چه مطلب تجاری داشته باشند
در هر بلدی از بلاد مالک محروسه دولت
علیه ایران توقف دارند بقونسولهای دولت
انگلیس و رطران و تبریز و همچنین بابل و مرقف
پوشهر و کمال اطمینان اظهار نمایند
چون مقرب انخافان حاجی علیخان حاجب الدوله
خاطر اولیای دولت علیه را از حسن اتمامات
در خدمتگذاری و دیوان قدرشان بجا یون
خرسند از نظر بطور التفات انمای دولت
علیه در باره مقرب انخافان مشارالیه در شب
شنبه گذشته جناب اشرف امجد ارفع ارفع
صد اعظم با جمعی از مقربان حضرت کردون
بصیافت مقرب انخافان مشارالیه رفتند
کمال اسباب و تکلفات صیافت از جانب
مقرب انخافان مشارالیه بعمل آمده بعد از صرف
شام بجانهای خود مراجعت نمودند
عالیجاه محمد حسن خان سرسپ فراانی چون در
خراسان و اسفارسمت مر او و سرخس و آخال و
و کلات بطور حسن از عهده ادای خدمات محوله
برآمده حسن حدیث در نزد اولیای دولت علیه
معلوم و مشهور گردید لهذا بعد از مراجعت از ارض
اقدس سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی

موارزی یک قبضه شمیر براق طلای کل روض
بجایگاه مشارالیه محنت فرمودند

نظر باینکه مراتب خدمتگذاری و مردم داری
مقرب انخافان میرزا اسحاق حاکم عراق در

نزواه لیای دولت علییه ظاهر شد لهذا محض
مرحمت موارزی یک ثوب جیاز جانب

سنی ایچو اب هایون در حق او محنت فرمودند
کردید

در هفته گذشته یک نفر از جمله الواط و اشهر
که غالباً با قورخانچیان مشغول بود شب شرب

یک نفر در خانه ارمنی باقی زخمدار نموده که در
موت است و یک نفر سید را نیز در حالت

در عبور باقی مقتول کرده بود جایگاه میرزا رضا
که خدای مجده مشارالیه را دستگیر کرده است

بعضی اقدس هایون شاهنشاهی رسید
فرمودند او را آورده فرایشان نصب در

میدان ارک بسزای عمل ناشایست خود
رسایند و حسب الامر اقدس هایون از جای

اولیای دولت علییه قدغن آید شد که قراول
در کوچها و محذاران باشد که کسی شراب نخورد

و نخورد و هر کس مرتکب شرب و شرارت شود
مورد تنبیه و مواخذة باشد

سایر ولایات

آذربایجان و اصفهان و استرآباد
و سایر ایالات و ولایات در این

احباری رسیده است
بر وجهی

از قراریکه در روزنامه بر وجهی نوشته
کمال امانت و آسودگی برای عموم مالی ایالات

حاصل است و یکی مالی بر وجهی و سیدان
و بختیاری و جاپلق در عین رفاه و آسایش

بمورد عیسی خود و دعاگویی ذات اقدس
شاهنشاهی اشغال دارند و بخلاف ایالات

در این اوقات بهیچوجه سرفت و خلاف
الفاق نمی افتد

و بگفته شده بودند در اول ماه بهیچ الیای
بر وجهی ناخوشی و باشدت کرده بر روزی

نفرانیت فرسیده بود و چون هوای ماه
فوسس ریا دوه گرم بود و خنایچه احتیاج باس

نمی شد تا در شب ششم جدی برف زیاد
بطوریکه در اغلب زمینها بقدریکه ذرع برف

نشست بعد از آن هوا کمال برودت را بهم
و در پنجاهها بنای گرفتن رخ گذاشتند ناخوشی

و باینر سبب برودت هوا تکلیف کلی بهم
چنانچه بعد از آمدن برف و سرد شدن هوا

هر کس فوت کردید بعد از تحقیق معلوم شد که اینها

۱۶۴۳

سابق بوده است و بعد از سر شدن هوا بکسی ازین ناخوشی گرفته بوده است

دیگر از قراریکه از اردوی نواب مستطاب شاه و الا تبار احتشام الدوله خبر رسیده بود قلیل ناخوشی و با که در اردوی نواب معتمدی الیه بوده است آنم بجهت الیه بکلی رفع گردیده است الی خرم آباد نشویش داشته اند که این ناخوشی از اردوی نواب شاهزاده مباد با تاجا سرایت کند از قراریکه نوشته اند در اینجا مطلقا ظهور و بروز نمی نموده است

علاجیه و لیجان سرب چنانچه در روزنامه های این نوشته شد در عرض راه ناخوش شده بود و او با صاحب مضبان حسب حکم نواب شاهزاده روانه محرم شده اند و معترض شده است که اگر احوال مشار الیه خوب شد خودش بیرون بیرون بشود و الا برادر او موسی خان برفوج میرود

دیگر نوشته بودند که نواب جلال الدین میرزا هنوز از خرم آباد حرکت کرده اند و توقف چند روز در اینجا بجهت حرکت دادن طایفه کاکاوند بکمرسایت و گامی آنها را از نزدیک خاک کرمانشان بکمرسایت حرکت داده اند و بعد از ورود بصدیره و آری کار طایفه مزبور داده می شود که هیچ وجه قدرت تعدی باغالی کرمانشان نداشته باشند

دیگر از قراریکه از ارستان نوشته بودند کمال اغیت و انتظام در انولایت حاصل است و ایام تاجا بنا به امید واری مشغول نظم امورات خود میباشند و کسی قدرت خلاف حساب ندارد و عابرین و مترودین با سو و کی و اهلینان از آنجا عبور و مرور می نمایند

بظام

ازین ولایت نیز درین مضمون اخباری برسیده است

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند اغیت و انتظام در انولایت حاصل است و عموم الالی انولایت بدعا کوفی ذات اقدس هاپون شاهنشاهی شتعال و ارنند نواب غفران نائب فرماندها که در شانزدهم ماه ربیع الثانی بجوای رحمت ایزدی پیوسته بودند و در روزی ایشان را بجهت سرحد بودن آن ولایت و مسکن و ملا

بروز داده بودند تا بعد از ورود مقربا انجانا خان غصه الملک متولی باشی و سام خان اینجانی قضیه فوت نواب غفران نائب مشار الیه را با آن شهر اخبار نموده الالی ارض اقدس بجهت توفیر و خرم جمع بازارها و کاکین بجهت جازمه مرحوم شاهزاده بازار و حاتم نام بصحن معبر که رضوی علیه الاف الشا و الیه آورده در خرم مقصد کس در سر و آیه که جناب ابام

۱۶۲۴

۵

ارض اقدس سابقا بجهت خود ساخته بود بجهت
 مدفن مرحوم شاهزاده بطیب خاطر مصاحبه و اولاد
 نموده در آن مکان فیض بنیان مدفون ساخته
 و در توحید خانه تبرکه مجلس فاسخ خوانی گذاشته
 جمیع علماء و سادات و خدام ذوی الاحرام و اهل
 واعیان از نوکرو رعیت بمجلس فاسخ خوانی حاضر
 شده تا چهار روز بلوازم تعزیت و طلب مغفرت
 و تلاوت کلام السجید و اطعام بفقرا و مساکین
 پرداخته خیرات و مبرات زیاد نمودند و بعد از
 چهار روز مجلس فاسخ را بانهایت اغوار و احترام
 برچیدند

دیگر نوشته بودند که بقدر مقصد خانوار با خبری
 که در از آنجا بتهرات رفته و در آنجا ساکن
 شده بودند در این اوقات از آنجا که جسد
 مالوف مراجعت می نمایند و عالیجا میرزا رفیع
 بهراتی مقصدی که چاندن خانوار نیز نور است که آنها
 سالما به باختر آورده در او طمان خود ساکن
 و وارثان و وارثان و وارثان و وارثان و وارثان
 ازین ولایات نیز در این هفته اخباری رسیده

عراق

از فرار یک روزنامه عراق نوشته بودند شخصی
 ناپاک متقلب حلوانی می نیت است مخفیست
 و دوران بذربنج یاد و ای دیگر و اصل سیکره است

و بهر کس میداده است میخورد و مدعی است
 از جمله دو نفر سربندی سلطان آباد می آمده اند
 شخص مذکور با آنها رفیق شده در عرض راه در
 پای درختی و کنار آبی نشسته مشغول بنان خوردن
 شده بودند آن شخص از آن نان و حلوانها
 داده بود و خورده بودند پس از آنکه زمانی
 شده بودند آن متقلب حرامزاده برخاسته سربگی
 از آنها را بریده بود و دیگر پراپهان حالت مدعی
 گذاشته آنچه اشیا و اسباب داشته اند
 با دور کس الاغ آنها برداشته بهی از دست
 که از رفته بود در وصول بان و بعضی از مردم
 آنجا الاغها را شناخته نگاه داشته از او جویانته

بودند گفته بود که این الاغها را خریده ام درین
 قبل و قال آنها آن شخص رفیق مقول که بهوش بود
 بهوش آمد و برخو استه اثر پای الاغها را گرفته
 بان ده آمده بود در جای که اهل ده گریبان آن
 شخص متقلب را گرفته بودند صاحب الاغها رسیده
 اهل ده تا او را دیده شناخته گذارش را جواب
 شده بودند علی التفصیل نقل کرده بود مردم بان
 رفته نفس مقول را آورده و آن قاتل حرامزاده را

گرفته نزد مقرب انخاقان میرزا حسن خان حاکم
 عراق برده بودند مقرب انخاقان مشا را لیه در
 جناب حاجی سید محمد باقر مجتهد آنجا با خبری را از او

۱۶۴۵

تحقیق نموده کما جری نقل کرده خود او را بقتل آن شخص
 نموده بود و بعد از آن مقرب انخافان شاد را لیه
 محبوس نگاه داشته مراتب رابا ولیای دولت
 علیه معروض داشته و از جانب سنی بجواب
 هایون حکم شد که در هانجا اورا بدست ورثه مقول
 بدست نامفاد و فی القصاص حیوة ورثه مقول
 اورا بفرای خود برسانند

فارس و قزوین و قسم و کاشان
و کردستان و کمر و کس و کرمان
 ازین ولایات نیز در این همه اخباری رسیده
کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند با تمام
 کارگذاران دیوانی و مراقبت عالیجان میرزا شفیع
 و شیخی خان سر تپ فوج خلیج امور آن ولایت
 نظام و انضباط است و عالیجا میرزا شفیع تمام
 در وصول ایصال مالیات دیوانی دارد و از صاحبان
 فوج خلیج ابوالجهمی عالیجا شیخینجان هر یک یکی از
 بلوکات حسب حکم سخته وصول باقی مالیات
 و در کار وصول ایصال میباشند و امور شهر
 محلات کرمان نیز مضبوط است و با تمام کلمات و
 که خدایان مروت و شجاعت از کسی ناشی و صادر
 دیگر نوشته اند که در بیستم شهر ربیع الثانی فرمان

قضا جریان هایون که در باب حکومت امیر الامرا
 مقرب انخافان غلامحسین خان سپه دار شرف صدر
 یافته بود با بنجا پرتو وصول افکنده و جناب حاجی
 سید جواد در مسجد جامع فرمان هایون را بجهت
 امالی انجا خوانده و ضعیف و شریف از امالی و ادوات
 زبان بکرانه و دعا کونی دانت اقدس هایون
 شاهنشاهی خلد المملکه سلطانی گشوده

دیگر نوشته بود که چندی بود که در کرمان بطوریکه
 بابت بارندگی بشود شده بود ولی در عشر ثانی
 ربیع الثانی بارندگی شده و برف در کوستا
 آمد است

گیلان و نهاوند و جمدان ازین
 ولایات نیز درین همه اخباری نبود

میرزا
 از قراریکه در روزنامه نیز نوشته اند امور آن
 از حسن مراقبت و اهتمام عالیجا مقرب انخافان
 سر تپ و نایب الحکومه منظم و مضبوط و سکون
 و امالی انجا در عین فراغت و آسودگی مشغول دعا
 و انت اقدس هایون شاهنشاهی میباشند و
 بهیچوجه از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر
 و امور طرق و شوارع نیز منظم و مستحفظین در هر
 از منازل مشغول حفظ و حراست میباشند و زوار
 و قافل نیز از خراسان در این اوقات وارد

۱۶۴۴

اخبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه فرانسه نوشته بودند که مابین دولتین فرانسه و پرتغال صلح داده بود و این اوقات بنحوا مشخ فین بنجونی التیام یافته بود و با این گفتگو این بوده است که یکی از گشتهای دولت فرانسه در روز عید امپراطور دولت مورو در یکی بنا در پرتغال شکرا انداخته بود و بید قمانی که علامت سرور و دانی است افراخته بیکریکی بند مورو احترامات لازم که در چنین اوقات مابین دولت متحابه متداولت بعمل میآوردند تا حدای آن گشتی گذارش را پاریس نوشته و سفارت فرانسه که در پرتغال است درین باب بوزیر دول خارجی پرتغال شکایت نوشته بود و مشارالیه در جواب کاغذی مبنی بر عذر خواهی نوشته بود که بیکریکی نقدیده و تلفت چنین روز نبوده است من بعد و بیچیک از بنا در پرتغال چنین امری که خارج از اصول اتحاد است برورد و ظهور نخواهد کرد و دیگر نوشته اند که امپراطور فرانسه جنرال کان رو که سابق سردار عساکر مورو رقم بود و بکلک سوید سفارت مخصوصه فرستاده و نشان فرانسه بصحابت مشارالیه جهت بادشاه سوید ارسال داشته بود در روز و مشارالیه او را با تشریف و اعزازات لازم پذیرفته بودند و در روز سلام

خود پادشاه سوید آنچه لازم احترام بوده است در حق سفیر مشارالیه عمل آورده بطریق دوستانه با او رفتار کرده بودند
 دیگر از قراریکه در روزنامه های فرانسه نوشته اند که با در این روزها گفتگویی مابین دولت انگلیس و چند دولت بجهت فرار بهاروی داده و دولت مورو از دولت انگلیس خواستش کرده اند که قرار داد هفت سال پیش ازین را در خصوص فرار بهاروی محرمی بدارد و حکم جدیدی نیز بان قرار داد تلوی کند که هر وقتی در خصوص استرداد و بیرون کردن فراری و مقصرین از دول متحابه و متحده با انگلیس خواستش نمایند با ادله و براین دولتی دولت انگلیس را رد نماید
 دیگر نوشته بودند که برادر امپراطور فرانسه که خدی قبل از کالک افتاده و مشرف بموت بود از قراریکه از خرج صاعقه خبر رسیده است اطبا خوب و زود از عهد معالجه برآمده اند و از ورطه خطر کاسته حاصل شده است
 دیگر نوشته بودند که وزیر لشکر قدیم دولت انگلیس که بجهت سیاحت بدریای سیاه رفته بود در مراجعت با سلامبول سلطان فرستاده و مور و التفات خاص شده است
 دیگر نوشته اند که سفیر دولت انگلیس که پیش ازین

۱۶۴۷

در پترزبورغ بود و این اوقات بنگای سفیری که از
دولت انگلیس مقیم در پایتخت دولت است
بود نامور اشخاص کرده است

و یک نوشته اند که چون در این اوقات در
شبهات قتل زیاد واقع میشد از جانب دولت
احکام مضبوط بکار گذاران کلا تریشده است
که با سربازان و قراولان شهری دول متحده
متوجه باشند که من بچسپین امری روی ندهد
و سیرای سایر دول نیز اظهار شده است
که آنها هم امداد نمایند و آدمی از خود نزد کار گذاران
کلا تریشده بگذارند که هر گاه از تبعه آنها کسی بگریختن
احمال شود گرفته بدست کلا تریشده بماند و از فرار
میکویند الضبط کلا تریشده اسلامبول کمتر از کلای

پاریس و لندن نیست
دیگر نوشته بودند که اولیای دولت عثمانیه
رسمیه بجهت سفارتخانه نظر بقصد غنی که سلطان
سجده بردن کند کرده است نوشته اند و قرا
ده اند که در مدت سه ماه هر قدر کندم از
خارج بیاورند کم کرد گرفته نشود
دیگر نوشته بودند که در صفحات عربستان و با
بروز کرده و حجاج را در رفتن و آمدن در فراتین
نگاه میدارند

دیگر نوشته اند که در این اوقات در بند کیرج

گرمی پیدا شده است که هم کشتیها را ضایع
میکند و هم آدم تلف مینماید و کشتیها و قون
متحده پیش از دیشمن ضرر میرساند

در یکی از روزنامه های یکی دنیای شمالی تفصیل در
مالک روی زمین را که چاپ میشود از متفرق
استریه ده روزنامه افریقا چهارده روزنامه

اسپانیول میت و چهار روزنامه پرتغال
میت و شش روزنامه آسیای روزنامه
بلژیک شصت و پنج روزنامه و نیارک شصت
پنج روزنامه روسیه پنجاه روزنامه ولایات

دولت هند سیصد و پنجاه روزنامه مملکت
انگلیس و ایرلند پانصد روزنامه یکی دنیای
شمالی دو هزار روزنامه سایر ممالک چهار
هزار روزنامه آلمان نوشته بودند که درین

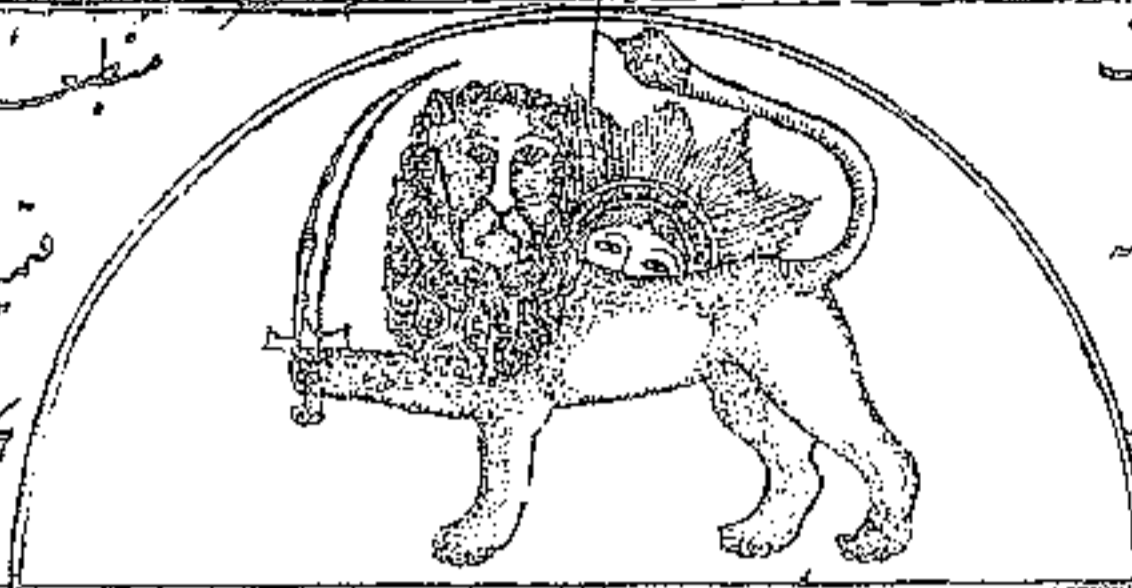
کارخانجات روز بروز روزنامه زود میشود
یا هفته بنفعه و نیز نوشته بودند که از هر یک از
این کارخانجات در روز باور بنفعه چند طفر روزنامه
بیرون می آید و این روزنامه ها که در دول زود

می شود بعضی از آنها رسمی است که عبارت از دولتی
باشد و در آنها بی اذن دولت و چیزی که منافعی
دولتی باشد زود نمی شود و بعضی باختیار خلق است
که هر کس بخواهد کارخانه روزنامه برآید از زود

میرند و میفرستند

روزنامه فایع انفاقیست

نزهت و
 هیئت روزنامه
 هر چه در دسترس
 منطبقه دار انجمن مطهران
 قیمت اعلانات
 هر خطی یک
 پیر



اخبار و اشک مالک محروم پادشاه

دار انجمن مطهران
 در روز شنبه هم اینها علیحضرت تومی شکست
 اید آید حجتی بجهت ملاحظه لوکیانی که تازه از باجک
 رگا به تبرکات شده بودند و سواره ساجسون
 ابو اجمعی عالیجا صفر علیجان مرتب که در میدان
 حاضر گردیدند و در تبرکات حاضر شدند جناب شرف احمد
 ارفع محترم صدر اعظم و بر مهران حضرت کردون
 از سران و صاحب منصبان نظام و غیره در حضور مبارک
 بودند و اولاً ملاحظه لوکیانی را فرموده مقرر شدند
 که سان آنها دیده شده موجب نزال شکر لوکیان
 پر داخته مأمورین حمران و غیره را این روز با یاد
 شایسته روانه نمایند بعد از آن میان میدان بسیر
 که بجهت توپهای بزرگ ساخته اند شرف آوردند و
 سواره مزبور به ترتیب آمده از حضور مبارک که
 و چون از جلالت اسب و سلاح بجهت کمال ارادت
 داشتند مورد تحسین و التفات گردیدند و انعام توپکا

در حق آنها رحمت شده بعد از ملاحظه آنها
 اقدس سببها یون شاهنشاهی در این تجارت مبارک
 سلطانی فرمودند
 جناب شرف ارفع محترم صدر اعظم خاسته
 روزنامه های گذشته نیز نوشته شد خیر و زیاده
 که بعد از دار الفنون بجهت رسیدگی تحصیلات معطلین
 میروند و همه روزه تا نزدیک غروب آفتاب کارها
 شاکردان مدرسه مزبور مراقبت و رسیدگی نمایند
 و در قواعد عربیه و طریقه و غیره آنها و استقامت معطلین
 و تحصیلات شاکردان بدقت غوررسی مینمایند
 تجربه و امتحان آنها تمام شده است بعد از اتمام
 امتحان مراتب ترقیات آنها و التفاتی که از جانب
 سنی ایجاب اقدس سببها یون شاهنشاهی در باره
 ایشان و علاوه موجب میشود علی التفضیل
 خواهد شد
 بعد از آن پاره کی که در روزنامه سابق نوشته

۱۶۴۹

چند وقت بود که هواسر شده ولی باران در
 نیامده بود و از این حمله فی الجمله شوشی سجد اهل زراعت
 حاصل بود و در این اوقات اول در شب پنجم شب
 باران بسیار نزدیک صبح بباران اخلای مبارک
 و اطراف آمد و بعد از آن روز پنجم و ششم جمعه
 برف بسیار خوب آمد بطوریکه بقدریکه چارک بلکه
 پشم برف در روی زمین افتاده است و بعد از
 هم باز یک شب الی صبح باران ریاد آمد و در صحرا
 و کوستان از فرار مذکور پیش از اینها باران و
 برف آمده است و این معنی باعث امیدواری زراعت
 سجدت زراعت کاران شده است و علی الحساب در
 زراعت شوشی از ضرر خشکسالی نجات

باقصای ظهور کرمت و عنایت طوکانه در حق عیال
 مقرب انخافان حاجی میرزا محمد خان دبیر محترم
 و رضای خاطر مبارک از خدمات مشارالیه در
 اوقات باعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید
 از مرتبه اول شرفی با عیال شرح سرفراز
 و بعد در فرمان مهر لعلخان هالون مفتوح گردید

چون عالیجاه میرزا رضای که خداوند کرمش چنان
 که در نامه گذشته نوشته شده سیدی معتدل
 و دیکری راز خمدار کرده بود و اتمام نموده بود
 از جانب شوشی اجواب طوکانه کلمات کتبی مبارک
 و در سیم ربیع الثانی بر تو وصول بانجا افکنده بود

نظر ظهور رحمت طوکانه در باره نواب مستجاب مراده و الا
 لطف امیر ادرین اوقات حکومت ولایت بازرگان
 سرفراز گردیده و از جانب سنی اجواب سرفراز
 هایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه کتوب جمعه
 لاکه دور بخبر از طوبی خانه خاص نواب معزنی ای حلفت
 مرحمت گردیده این روز با مقرر حکومت روانه طوکانه

بلا حظ لیسکی نواب محسن میرزا و فرط رحمت سرفراز علی حضرت
 اقدس هایون شاهنشاهی در باره نواب معزنی ای حلفت
 این اوقات منصب حلیل امیر خوزی سرفراز گردید از جانب
 سنی اجواب طوکانه کتوب جمعه ترمه از طوبی خانه خاص
 نواب معزنی ای حلفت مرحمت شد که لوازم این منصب حلیل را بعد
 کفایت خود داشته مراتب کفالت را بطور شایسته مشهور
 و ملحوظ خاطر اقدس هایون دارند

سایر ولایات

اور با پچان ازین ولایت درین هفته روزنامه
 رسیده است
 اصفهان

از واریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند
 حلفت مهر طلعت مبارک که از جانب سنی اجواب
 اقدس هایون شاهنشاهی سجد نواب مستجاب
 حمت الدوله حکم این اصفهان رحمت شده بود
 در سیم ربیع الثانی بر تو وصول بانجا افکنده بود

۱۶۵۰

مهری الیه لو ارم استقبال و توقیر و احترام خلعت
بایون را بعل آورده در عمارت صفت و ست
زیب برود و کس اعتبار و افتخار خود ساخت
مهرسم سرور و دانی و اجرایی شلیک ثوب
بعل آورده صرف شربت و شیرینی کرده بود

و یک نوشته اند که کمال اهلیت و انتظام در اول
حاصل است و عموم مالی آنجا در عین سودگی و
فراغت هر کس بکار خود و درها کونی دانت
بایون شایستهی استعمال و از فرار کرده
بودند و در آخر ربیع الثانی و اوایل جمادی الاول
سه ما در اصفهان شدت داشت است و در
برف آمده و برف آخر بیدریک چهار یک بود

دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد ابراهیم خان میر
در بیستم ماه ربیع الثانی وارد میدان نقش جهان
اصفهان گردیده فوجهای او با کمال آراستگی
صف نظامی کشیدند و از هزار مذکور از شیراز
تا اصفهان در تمامی منازل عرض راه با نهایت
نظم آمده بودند و مطلقا با حدی از سر باز خلاف

حاجبی ناشی و صبا در شده بود و نواب شاهزاده
حمیت الدوله بمیدان مزبور تشریف آورده و
آنهارا نمودند چون کمال آراستگی و انتظام و
مورد تحسین گردیدند و بموجب آنجا را میرزا
مهری الیه با تمام بدست خود برداشتند و با
و افراد آنها رسانیده از قرار یک نوشته بود
در بیستم جمادی الاولی عالیجاه محمد ابراهیم خان
عازم دربار بایون خواهد گردید

دیگر نوشته بودند که عالیجاه نصر الله خان میر
فوج کلپایگانی با فوج خود وارد اصفهان گردیده و
میدان نقش جهان با کمال آراستگی صف نظامی
کشیدند و نواب شاهزاده حمیت الدوله بمیدان
فوج مزبور آمده وقت رسیدگی با جا و افراد
صاحب منصبان آنها نمودند چون کمال آرا
داشتند مورد تحسین گردیدند

و همچنین عالیجاه مقرب الخاقان مصطفی قلی خان
با فوج خود وارد اصفهان شده و نواب شاهزاده

و یک نوشته بودند که نواب شاهزاده حمیت الدوله
در بیستم ماه ربیع الثانی سان فوج چهارم
باستحضار لشکر بایان در حضور دیده و بموجب
آنجا را بدون کسر و نقصان بهر یک هر یک از
احاد و افراد سر باز مزور رسانیدند
و یک نوشته بودند که تمامی فوج قاهره که در اصفهان
موقوف بپا شدند در نهایت حسن سلوک با ارباب
آنجا رفتار دارند و عیسوم خلق اصفهان کمال رضایت
از حسن رفتار آنها اظهار نمیند

۱۶۵۱

فوج با استقبال آنها فرستاده و خود نیز در وقت ورود آنها بمیدان نقش جهان بمیان آنها رفته افواج و صاحبان را ملاحظه و رسیدگی نمودند و قرار دادند که بعد از حرکت افواج و در بهار فوج مغزی الیه بانجا رفته سان آنها را دیده و آنچه از موجب و غیره برای آنها حواله شد بود همساری داشته روانه نمودند

و یکروز نوشته بودند که عالیجاه میرزا زکی بامشوقان صفهان همه روزه در دفترخانه نشسته مشغول رسیدگی محاسبات ولایتی و وصول و اصلاحات دیوانی و نظم و نسق زراعات و غیره میباشد و نهایت اهتمام را درین باب دارند

استراپاد

از قرار یک در روزنامه استراپاد نوشته اند که جعفر قلیخان ایلیخان که از دربارهایون حکومت اولی الامر بود در ششم شهریور سال ثانی با سرباز فوج عرب و شصت و پنجاه نفر سواره شادلو و چهار صد نفر سواره چکنی و ششاد نفر سواره زوینی و دو سیت نفر سواره عرب و عجم و چهل نفر سواره کولکان و کوه و صد و پنجاه نفر سواره سنجو است و ارد استراپاد شده در وقت ورود مقرب الخاقان شادلو الیه کل انالی شهر بعد از یک فرسخ ذکور او انانابا استقبال رفته بودند و اینکه قدغن کرده بود که جماعت انانابا سنجو سنجو

از ترکمانان دشت پانها دست اندازی بشود به استقبال نیانیدستوان انحضری را قبول نموده و گفته بودند که ما با خاطر جمع هستیم که بسبب نامرتب ایلیخان با این ولایت بعد از ترکمانان با عی جرت ندارند که بقصد چپاول و دست اندازی با این صفحات بیایند با بجهه لو ارم استقبال و احترام بعمل آورده کمال خوشوقتی داشته اند و بعد از ورود مقرب الخاقان مشا را الیه از طوایف ترکمان بسیار داوطلب آمده و اظهار خدمتگذاری کرده بودند آنها را بعواطف اولیای دولت علیه امید واری دادند و گفته بود که خدمت عموم ترکمان وقتی مقبول اولیای دولت علیه است که آنچه اسیر امسال برده اند کاملاً پس بیاورند و شاکا نیز برود و در میان خود مصلحت نمایند اگر صلاح خود را در رد کردن اسیر امید آیند آنها را اسامی غائبان بیاورید و الاجاب انمر حله را بمن بدهید تا بتقصای تکلیف خود رفتار کنیم و همچنین طایفه اتابای ترکمان و طایفه جعفر بای ترکمان نیز آمده هر چهار اسیر آورده بودند مقرب الخاقان شادلو پانها نیز همین فقره را خاطر نشان کرده گفته بودند که بدریج دست از پی برده آنچه اسیر در میان آنها ما باشد حکماً دست آورده تسلیم می کنیم و مقرب الخاقان شادلو استراپاد اسیرانی که اشترار ترکمان برده اند مقرب الخاقان ایلیخان بدیند و ترکمانان نیز بر حسب

۱۶۵۲

همگی آنها را رد نمایند و همچنین باید بیعت بفرستند
اسیر آورده و بهین جواب رهنشده مستعد
بر وجه اسیر در میان خودشان نشاندند
اسد اباد و خراسان و حرم
و سمنان و شاپور و و عراق
ازین ولایات نیز درین معقه اخباری بفرستند

فارس

از قراریکه در روزنامه شیراز نوشته بودند
نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار مؤید الله
حکمران فارس همه روزه بقرار اسرار سابق
مشغول نظم امور ولایت و تحصیل موجهات
اسودگی و رعیت و انجام خدمات دیوانی میباشند
و بجهت حسن مراقبت نواب مسیری الیه نهایت
و انتظام در آن ولایت حاصل و عا کر ما موریه بر یک
در محل ما موریت خود با انجام خدمات محوله بخود
میباشند

و همچنین مقربان خاقان شجاع الملک و شیر الملک
در انجام خدمات دیوانی و انتظام امر نوکری و رعیت
نهایت اهتمام و مویبت را دارند
و بیکر نوشته بودند که امور طرق و شوارع از بند
الی اصفهان از حسن مراقبت عالیجاه محمد رضا خان
کمال نظم را دارد و قوافل و غا برین در عین اطمینان
و اسودگی عبور و مرور نمایند

و بیکر نوشته اند که عمال و مباحثین بلوکات فارس
نهایت مراقبت را در نظم و نسق زراعات و وصول
و ایصال مالکات و دیوانی دارند و مایات
و دیوانی را بخیطه و سول رسانده عاید حوالجات
و دیوان اعلی و قضا حرازه عامه داشته و میدهند

قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند
ان ولایت بهر جهت منظم و مضبوط است
و رعایا و برایا در کمال اسودگی و فراغت مشغول
رعیتی خود و عا کونی دولت جاوید مدت علیت
میباشند و از قراریکه در روزنامه ربیع الثانی نوشته
بودند چند روز هوا سرد شده و برودتی پیدا کرد
بوده است و لکن رعایا و دهقانین با مشغول بخت
و بذرافتنی بوده اند

و بیکر نوشته بودند که یک ثوب کلنجی رزمه از طبوسین
مبارک که بجهت مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان
قزوین از دربار عدالت مدار حرمت شده بود
چهارم شهر ربیع الثانی با شجا پر تو وصول افکنده
مقرب الخاقان مشارالیه با وجوه اعیان و امان
قزوین و صاحب مصعبان نظام و غیره لوازم
استقبال و توقیر و احترام طلب مهر طلعت شایسته
بعل آورده و زیب برودش اشفا و اعیان حوال
در منزل خود شربت شیرینی با مجلس داده است

۱۶۵۳

دیگر نوشته بودند که از جانب نامورین مهاجرین
 ساروینیا بجهت آوردن غلغله و گاه سپه و تسول
 دولت نرپور با و نهضت باطنی سنجاری شکر
 با بچون میرفته اند در نزدیکی ساحل انجا در حین که مشا
 با اهل آن کشتی میخواستند آمدن بخشکی بیرون بیایند
 هوای دریا طوفانی شده و زور قمانی که کشتی بود
 بخشکی بیاید کلاً از لطافت امواج شدید غرق شده
 آن سه نفر و همگی اهل زور قمانی نرپور غریق گج
 فکته اند مگر یک نفر از اهل کشتی که او را زور موج
 بخشکی انداخته بود است

و همچنین چندی قبل نیز یک طوفان عظیمی در دریا ظاهر
 شده بود و در کشتیهای سنجاری که به تجارت مشغول
 شده بودند بعضی بسیار بی فایده و از درون دریا
 نیز از رسیدن کشتی سنجار بجهت زیادتی آب میخواستند
 بیرون بیایند

دیگر نوشته بودند که از جانب اعلیحضرت امیر الطور
 مراتب توسط جناب قاضی و بریک نشان مخصوص
 بجهت دولت اسوج فرستاده بودند بعد از ورود
 بانجا از جانب دولت اسوج نیز در مقابل آن
 یک نشان علامت اتحاد و یکاچی که از انحصار
 قبل ازین که وضع شده بوده است تا این اوقات
 به بیماری از دولت خارج و داده شده مگر یکی
 اعانم دولت فرانسه در چهل و چهل سال پیش ازین

در این اوقات بجهت دولت مراتب ارسال
 دیگر نوشته بودند که پادشاه دولت ساروینیا
 چندی قبل ازین که عزیمت پاریس بای تحت دولت
 فرانسه را داشت درین بین مرهش گستره بسیار
 و ناخوشی نرپوری شدت کرده بود که تمام مہام
 دولتی را بعهده و لیعهد دولت خود و اگذار کرده
 بود و باین واسطه اندیش بسیار بسیار افتاده
 بود و در این اوقات از قرار یک نوشته اند از آن
 ناخوشی صحت یافته و حکامان عمان اداره دولتی را
 بکف کفایت خود در آورده این روزها عزیمت
 پاریس بای کشتی فرستاده دارد

دیگر نوشته بودند که اعلیحضرت امیر الطور استر
 بعزیمت سکار و تفریح بطریق کشت و سیاحت در
 صفر بر رفته اند و بعد از چند روز توقف در
 نبت و مدیکت عازم بوده است

دیگر نوشته بودند از اهل فرانسه و انگلیس در وین بای
 یک کپا به نصبت طیان فلان کشوده از شاه میرزا فلان
 فرستاده و در روز شنبه ان مشهور و بر طرفان استر به قرار داده
 شده است که هر کس طاک خود را در صورت استقلال برین
 بگذار و نفع آن کمتر از معمول ساتی گرفت نشود
 و از جانب دولت استر به صد ساله ای با یکپا
 نرپور عطا شده است

۱۶۵۴

قسم و کاشان و کردستان
 و کردستان و کرمانشاهان و کرمان
 و سیستان و مازندران و طایر و بهما
 و بهمان آریین و ثبات نیز در این مملکت
 رسیده است
 میر و

از فراری که در روزنامه پزد نوشته بودند چون
 در سنوات سابق ایام دهه عاشورا که در عمارت
 دیوانی اینجا مجلس تعزیه داری برپا میکردند
 ضمیمه مکان و کثرت تعزیه داران هم به عمارت خرابی
 و هم به تعزیه داران بد میگفتند چون کسیت عمارت
 دیوانی بسبب بیخبری که شاهزاده فاضل علیه الرحمه
 در جلوسه تبرک نشینی هم صرف که محل عبور مردم و مجرور
 سبظری ابد افتاده بود درین سال عالیجا و مقرب الحاکمان
 محمد یوسف خان سرپن و نایب الحکومه و کارگذاران
 مشارالیه آن زمین را بکلیه وسیع بسیار خوبی که هم
 باعث آبادی ولایت و هم بر شکوه عمارات دیوانی
 و بقعه تبرک افزوده شده ساخته اند تا می جزای
 آن از اجر ختمه بنائی و بندگشی شده مانند کایاکی
 خوب و از انظار و طهران شده است و وجه مخارج آن
 از منافع آب و قنات است که از مخارج تعزیه داری با هم
 عاشورا ریاد آمده بود و بنای آن تا پای طاق رسیده
 و مستی بتکیه دولتی گردید عقیدت کمال خوبی صورت

اتمام خواهد یافت
 و هم چنین در حوال و خوش تکیه مرزبورا رضی بمصرف
 بود عالیجا میرزا کوچک خان سرمنگ و جناب
 میرزا محمد ولی صدران ارامنی را نیز اکت مشایخ
 نموده طرح بازارچه با صفائی انداختند مثل
 بیت باب دکان و یک باب حمام عالی و عالیجا میرزا
 کوچک خان منافع شصت باب دکان و نصف حمام
 که سهم او بود قرار داد که هر ساله صرف تعزیه داران
 جناب ابا عبدالحسین علیه السلام بشود با محله
 شدن تکیه و بازارچه و حمام مرزبورا سبب مزید دعاگو
 ایلی اینجا بجهت دوام دولت جاوید مدت علیته
 گردیده است

احبار دول خارج
 از فراری که در روزنامه خبریده الحوادث اسلامبول
 نوشته اند در باب راه آهن گذشته از سرعت
 حرکت او فواید کثیره او نیز آشکار است سابقا راه
 آهنی از اسکندریه تا بمصر بنا گذاشته بودند و راه
 مرزبورا نصف رسیده بود در این اوقات راه
 مرزبورا با تمام رسیده و بمصر متصل گردیده است
 در واسط شهر ربیع الاول با آلائی که با اصطلاح
 عثمانیه جمعیت عمیش و سرور است راه مرزبورا
 افتتاح نموده اند و عبور کالسکهها از آن راه
 برقرار شده است

۱۶۰۰

دیگر نوشته اند که کربلای محمد علی نامی شیرازی
 ساکن قزوین نیز مقرب الخاقان حاجی علی
 پیشکار آمده مذکور است که با سیدی در
 راه لنگران با هم رفتی بودیم تا بسکه منزل
 زنجان که آمدیم سید فهمیده بود که در میان
 من بخواه تو مان وجه نقد است و قسمیکه من بخواه
 نهی از منزل بیرون آیدم سید در منزل بود
 راحت که نمودم دیدم بخواه و در حورچین است
 و برده اند و تعمیر است که مطلع بود با سید
 حرفی از من فخره در میان نیامد که میاید
 ناید تا وارد منزل آخر که بفرودین می آیدیم
 با جمعی از مکار پهل سکر و درین من سید
 مطلع شد که من این حکایت را در میان دارم
 سرور آمد پستی من خالی نمود از تقاضات
 پیش تاب باز شد اهل آبادی و مکار به سید
 گرفته رسیدند که این چه حرکت بود گفت این مرد
 بمن اقرار است سنا و زردی مید بد حال وارد
 قزوین شدیم و گذارشن این است مقرب الخاقان
 شارالیه سید را احضار کرده از خواهان آن شخص
 شیرازی جو یا کردید سید و مقام انکار بر آمده
 برافه شد و در مرافقه سید قسم را بصاحب خواه
 ر و نمود و صاحب خواه قسم بلفظ جلاله یاد نمود و
 خواه را نام و کمال از سید دریافت کرده بان

۱۶۵۶

شخص عاید نمودند از اتفاقات دور روز دیگر بیان
 سید را که مهابت و قیصریه سید علیخان در
 وزه کی گرفتند تقصیر من که عس با شب در باله
 بام بازار کردش میگردند تا بام قیصریه رسید
 دیده بودند که از یک سقف طاق سوراخی که
 بجهت ریشتمانی بود بقدر او هم زد و کشتا نموده
 و چوبی بالای آن انداخته کندی از آن چوب
 میان قیصریه او بجهت اند فهمیده بودند که در دور
 پایت است در راه و رخنه تا آنم گذار شده
 خبر کرده بودند و الان دارا بنای سید که
 آخر سید سارق را در میان یکت هستند و
 قد که خالی بوده است پیدا کرده بودند یا سطور
 که در میان هستند و قیصریه شده و دو کتیبها
 هم بالای خود گذاشته است او را گرفته سید
 مقرب الخاقان حاجی سید علیخان آوردند چند
 محبوبس بود بالاخره بلاخط سپاد است او کتیب
 از علما و سادات شاعرت او را نمودند و
 شاعرت آنها مقرب الخاقان شارالیه از سر
 قبیله و آزار او گذشته او را اخراج بلد
 دیگر نوشته اند که در این ایام در محله میدان کوسفند
 ضعیفه وضع حمل نموده و طفل و کور مولد شد اند
 تولد طفل اول تا دویم سه روز فاصله بوده و هر دو

RUZNAME - YE
VAGHAYE ETTEFAGHYEH

Volume 2
131_260

National Library
of the Islamic Republic of Iran
In Coordination With
Centre for Media
Studies & Research
(CMSR)

Tehran 1994